

## مقایسه‌ی عاطفه مثبت، خلاقیت و بهزیستی روان‌شناختی در مرحله تحولی نوجوانی با میانسالی

مجتبی رنجبری

دانشگاه فردوسی

فرشته زارعی

دانشگاه آزاد اسلامی همدان

پیام جوزی

دانشگاه فردوسی

ایوب مرادی

دانشگاه علامه طباطبایی

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹

دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

هدف این پژوهش مقایسه خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در میان نوجوانان و میانسالان بود. پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود که ۱۰۰ نوجوان و ۱۰۰ میانسال در آن حضور داشتند. برای نمونه‌گیری از نوجوانان روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و برای نمونه‌گیری در میان میانسالان روش در دسترس مورد استفاده قرار گرفت که اعضای نمونه پرسش‌نامه‌های عاطفه مثبت واتسون، خلاقیت عابدی و بهزیستی روان‌شناختی ریف را تکمیل نمودند. نتایج به‌دست آمده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره حاکی از وجود تفاوت معنادار بین خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در بین نوجوانان و میانسالان بود ( $p < 0/05$ ). به این صورت که نوجوانان از میانگین خلاقیت بالاتر و عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی کمتری نسبت به میانسالان برخوردار بودند. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین خلاقیت و بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان دختر با پسر تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین عاطفه مثبت آن‌ها تفاوت معناداری به نفع دختران وجود دارد ( $p < 0/01$ ). نتایج همچنین نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه زنان و مردان میانسال وجود ندارد. با توجه به نتایج می‌توان گفت که نوجوانان از میانگین خلاقیت بالاتر و در عین حال از عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی کمتری نسبت به میانسالان برخوردارند. همچنین جنسیت، تفاوت معناداری در متغیرهای مورد پژوهش ایجاد نمی‌کند، البته به غیر از عاطفه مثبت که در سنین نوجوانی در دختران بالاتر از پسران است. بنابراین تفاوت نسلی در متغیرهای مورد پژوهش به مراتب مشهودتر از تفاوت‌های جنسیتی است.

کلیدواژه‌ها: عاطفه مثبت، خلاقیت، بهزیستی روان‌شناختی، میانسالی، نوجوانی

در دوره‌های کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و بزرگسالی توجه کرده و آن را به اقتضات سنی تأویل کرده‌اند. پیاژه در این باره می‌گوید افراد در سنین مختلف به سؤال‌های واحد پاسخ یکسان نمی‌دهند و نوع پاسخ آن‌ها متأثر از ساخت فکری آن‌هاست (سیف، ۱۳۹۴؛ لطف‌آبادی، ۱۳۹۴؛ منصور، ۱۳۹۴؛ معیدفر، ۱۳۹۳). دیدگاه‌های نوجوانان و بزرگسالان با هم متفاوت‌اند. درحالی‌که نوجوانان به استقلال خود اهمیت می‌دهند، برای بزرگسالان یکپارچگی خانواده مهم است. بزرگسالان و نوجوانان در زمینه‌های مسکن، قوانین و مقررات، زمان

روان‌شناسان گرچه به‌طور مستقیم درباره وجود مسأله تفاوت نسل سخن نگفته‌اند اما به شکل تفاوت بین نسل‌ها

پیام جوزی، کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ مجتبی رنجبری، کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ ایوب مرادی، کارشناس ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران؛ فرشته زارعی، کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به پیام جوزی، کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران باشد.

پست الکترونیکی: payamjouzy@yahoo.com

روان‌شناختی<sup>۸</sup> و عاطفه مثبت و منفی<sup>۹</sup> و غیره که به‌طور فزاینده‌ای در حال گسترش است که اکنون توجه ویژه روانشناسان را به خود معطوف کرده است. پیشرفت‌های اخیر در زمینه روان‌شناسی سلامت، بهداشت روان و طب رفتاری نقش هیجان را در سلامت و بیماری انسان‌ها مورد توجه قرار داده است (مک آدامز، ۲۰۱۳).

عواطف مثبت با خصیصه شخصیتی برون‌گرایی و عواطف منفی با خصیصه روان‌نژندی ارتباط دارند (گیلبرت، نالن-هویکسیما و گرابر، ۲۰۱۳). عاطفه مثبت با فعالیت فیزیکی مدام، خواب کافی، ارتباط اجتماعی با دوستان نزدیک و تلاش برای اهداف با ارزش ارتباط دارد؛ بنابراین عاطفه مثبت ممکن است در طول فعالیت فیزیکی منظم، داشتن الگوی خواب مناسب، داشتن روابط دوستانه و داشتن اهداف با ارزش افزایش یابد. عاطفه مثبت یک دیدگاه از شادکامی است (کالاکرینوس، گرینوی و دنسون، ۲۰۱۵). عاطفه مثبت، نشان دهنده خوشایند بودن، داشتن شور و نشاط، پرنرژی، آرامش، لذت و شادکامی است. عاطفه منفی با بی‌قراری، غمگینی و دل‌مشغولی، احساس عصبانیت، احساس بی‌ارزشی، اضطراب و کم‌انرژی بودن تجلی می‌نماید. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند افرادی که دارای سلامت روان‌شناختی، دارای عاطفه مثبت بالا و عاطفه منفی پایین نیز هستند (پاوت و داینر، ۲۰۰۸؛ مک آدامز، ۲۰۱۳).

یکی از سازه‌های مثبت روان‌شناختی داشتن خلاقیت برای حل کردن مشکلات و مسائل زندگی می‌باشد. خلاقیت به عنوان نتیجه انعطاف‌پذیری ساختاری و قدرت نوآوری در موفقیت‌های مختلف شناخته می‌شود (صادقی مال امیری و نیکنام، ۱۳۸۹). گیلفورد (۱۹۶۰، ۱۹۵۰) موجب گردید تا روان‌شناسان و پژوهشگران علاوه بر توجه به آزمون‌های هوشی و پیشرفت تحصیلی، به بخش غفلت شده دیگری یعنی خلاقیت توجه کنند. چون اعمال ذهنی مورد نظر گیلفورد با مسأله هوش و خلاقیت پیوند نزدیکی دارد (امیرحسینی، ۱۳۹۴). لاندشیر (۱۹۷۴) برای فهم بهتر ماهیت هوش و خلاقیت را این‌گونه توصیف می‌کند: "در برابر مسأله‌ای که باید حل شود، فکر همگرا با دقت و

خواب و تغذیه و رابطه با دوستان هم‌جنس و غیرهمجنس با هم اختلاف دارند (رید، ۲۰۱۵). بسیاری از روانشناسان دیدگاهی تحولی نسبت به انسان دارند و برای رشد روانی انسان‌ها در هر سنی وظیفه تحولی خاصی قائل هستند و افراد برای اینکه دارای هویت و شخصیت سالم باشند باید تکالیف خاص در هر سن را با موفقیت سپری کنند تا بتوانند حس مثبت نسبت به شخصیت خود داشته باشند. اریکسون روانشناسی بود که رشد روانی انسان را پیوسته می‌دانست و معتقد بود که انسان در هر سنی با یک تکلیف تکاملی چالش می‌کند و پس از حل کردن این بحران به مرحله بعدی رشد گام بر می‌دارد (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۹۴).

اریکسون مرحله نوجوانی<sup>۱</sup> را به‌عنوان فرصتی برای حل دوباره هویت از طریق ترکیبی که یکی سازی شده و تعالی بخش تمام همانندسازی‌های گذشته می‌باشد؛ می‌داند. این یکی سازی جهت ایجاد یک کل جدید بوده که بر اساس آن چیزهایی است که قبلاً وجود داشته است. وظیفه‌ی اصلی نوجوانی ایجاد حس روشن و پایداری از هویت می‌باشد. هویتی که نه تنها با گذشته (کودکی) همانند است بلکه در آینده (بزرگسالی) نیز پایدار و بی‌همانند است (غضنفری، ۱۳۸۶).

یکی از مراحل تحولی در رشد انسان به اعتقاد اریکسون میانسالی<sup>۲</sup> می‌باشد. این دور سنی که با عنوان انتقال میانسالی از آن نام می‌برند یک رویداد طبیعی و برهه بهنجاری از فرایند در گستره زندگی است و عموماً در اواخر دهه ۳۰ یا آغاز دهه ۴۰ روی می‌دهد. این دوره مستلزم اخذ تصمیم‌های تازه درباره ادامه چیزی است که فرد تا این گذرگاه به آن مبادرت ورزیده است یا اتخاذ تصمیم‌هایی است که تغییرهای انسانی را دربر خواهد گرفت (کالوارسی و بریان، ۲۰۰۳؛ کورسینی، ۲۰۱۴).

با گسترش جنبش روانشناسی مثبت نگر<sup>۳</sup> در دهه اخیر (سلیگمن و چیکسنتمیهایلی، ۲۰۱۴)، روانشناسان به مؤلفه‌های کنشگری‌های مثبت، تجربه‌های مثبت و نیرومندی‌های سازش یافته انسانی<sup>۴</sup> مانند رضایتمندی و امیدواری از زندگی<sup>۵</sup>، خوش‌بینی<sup>۶</sup>، شادکامی<sup>۷</sup>، بهزیستی

<sup>۶</sup> optimism

<sup>۷</sup> happiness

<sup>۸</sup> psychological well-being

<sup>۹</sup> positive and negative affect

<sup>۱</sup> youth

<sup>۲</sup> middle age

<sup>۳</sup> positive psychology

<sup>۴</sup> adaptive human strengths

<sup>۵</sup> life expectancy

ملاحظه بسیار خود را در چارچوب داده‌های مقدماتی محدود و مقید می‌سازد. این فکر با احتیاط موشکافی و نتیجه‌گیری می‌کند و بدون اینکه خود را به خطر اندازد در مسیر اولیه خود باقی می‌ماند و به راه حلی منجر می‌شود که غالباً اصیل نیست. این همان هوش هست که در مسیر منظم و معینی فکر می‌کند. هوش سوداگر، ملاحظه‌کار، هوش شاگرد مدرسه نمونه، هوش حسابرس دقیق و هوش مدیر موسسه بازرگانی. درحالی‌که جوهر تفکر واگرا در توانایی تولید اشکال جدید و اتصال عواملی که طبق عادت مستقل و جدا از هم فرض شده‌اند، نهفته است. اگر متوجه باشیم، این همان مسیر ذوق و تخیل و آفرینندگی است.<sup>۱</sup> همچنین تورنس و گاف (۱۹۸۹) تفکر خلاق را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند: (۱) سیالی،<sup>۲</sup> (۲) ابتکار،<sup>۳</sup> (۳) انعطاف‌پذیری،<sup>۴</sup> (۴) بسط<sup>۴</sup> (امیرحسینی، ۱۳۹۴).

در حوزه روان‌شناسی کاربردی می‌توان به نقش بهزیستی روان‌شناختی تأکید نمود و در روان‌شناسی مثبت نگر، سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روان‌شناختی تلقی و آن را در قالب اصطلاح «بهزیستی روان‌شناختی» مفهوم‌سازی کرده است؛ از این منظر بهزیستی روان‌شناختی به معنی کارکرد روان‌شناختی بهینه است (آرکین، ۲۰۱۵). بهزیستی روان‌شناختی نیز عبارت است از یک سازه در ارتباط با عملکرد مطلوب و مثبت یک فرد (رایان و دسی، ۲۰۰۱). بهزیستی را می‌توان به عنوان دستیابی به تعادل بین هیجان منفی و مثبت و رضایت از زندگی تعریف نمود (ولز، ۲۰۱۵). ریف و سینگر (۱۹۹۸) از طریق ادغام نظریه‌های مختلف رشد فردی شش مؤلفه از بهزیستی روان‌شناختی را مطرح کردند که عبارت از (۱) پذیرش خود، (۲) خودمختاری، (۳) داشتن ارتباط مثبت با دیگران، (۴) هدفمندی در زندگی، (۵) تسلط بر محیط و (۶) رشد شخصی هستند. در مجموع نوجوانی و میانسالی دو مرحله تحولی زندگی انسان است که انسان را در شرایط خاص روان‌شناختی و ذهنی قرار می‌دهد (غضنفری، ۱۳۸۶). از دیگر سو افزایش گستره‌های دانش و آگاهی انسان در مراحل مختلف سنی و زندگی نقش بسزایی در سلامت و شناخت انسان دارد (فیست و فیست، ترجمه سید

محمدی، ۱۳۹۴). نوجوانی، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی، دارای حساسیت‌های خاصی می‌باشد. در این دوره نوجوان با مشکلات فردی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی از یک سو و تغییرات گسترده بدنی و شناختی از سوی دیگر روبرو است (منصور، ۱۳۹۴). با توجه به این که جامعه ایران از لحاظ هرم سنی جامعه جوانی محسوب می‌شود و بخش اعظم قشر جمعیتی آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، توجه به این قشر از جمعیت می‌تواند ضروری و دارای اهمیت بالایی باشد (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۴). همانطور دوره میانسالی بسیار اهمیت دارد چون در این سن انسان دارای بحرانی می‌شود که اریکسون آن را بحران میانسالی گذاشته است. مطالعه سالمندی و مشکلات آن در کشورمان حوزه بدیع و تازه‌ای است و می‌بایستی عوامل خطرزا، آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی، خودکشی (خدابنده، نوربالا، کاهانی و همکاران، ۱۳۹۱) و مسائل سلامت روان جوانان و میانسالان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین باید اشاره کرد که این دو مرحله مهم رشد تحولی انسان است و در هر مرحله افراد دارای شرایط روانی خاص خود هستند و ممکن است در نوجوانان یا میانسالی شدیدتر باشد (ریف و سینگر، ۲۰۰۳؛ ولز، ۲۰۱۵).

در مقابل نتایج مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در متغیرهای مورد پژوهش متفاوت بوده‌اند (آرکین، ۲۰۱۵). به عنوان مثال نتایج پژوهش‌های شلدون و البوت (۱۹۹۹) حاکی از حاکی از نبود تفاوت معنی دار در متغیر بهزیستی روان‌شناختی بین دوجنس بوده است؛ اما وانگ و میائو (۲۰۰۷) معتقدند زنان و مردان در ابعاد مختلف بهزیستی روان‌شناختی با هم متفاوت‌اند؛ زیرا منابع استرس و امکانات متفاوتی در اختیار هر جنس قرار می‌گیرد که باعث به وجود آمدن تفاوت در وضعیت سلامتی آن‌ها می‌شود؛ اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که مطالعاتی که بر تفاوت معنادار این متغیرها به نفع مردان تأکید دارند، مربوط به سالیان پیش بوده است اما اکنون با توجه به تغییرات عمده فرهنگی و اقتصادی در خانواده‌ها شاید بتوان گفت این مسأله نیاز به موشکافی بیشتری دارد. در شرایط کنونی و به دلیل بحران‌های اقتصادی و افزایش جمعیت و افزایش هزینه‌های خانوارها، مرد و زن هر دو دارای نقش‌های تقریباً مشابهی در نان‌آوری خانواده هستند (یارنل، استافورد، نیف، ریلی، نوکس و مولارکی،

<sup>1</sup> fluency

<sup>2</sup> originality

<sup>3</sup> flexibility

<sup>4</sup> elaboration

۲۰۱۵) و کلیشه‌های جنسیتی گذشته تا حدودی رنگ باخته‌اند (زیل، کریزان و تیتل، ۲۰۱۵) احتمالاً شرایط متفاوتی بر وضعیت روانی هرکدام از جنسیت‌ها نسبت به گذشته حاکم شده است که نیاز به انجام پژوهش در این خصوص نیز بدیهی به نظر می‌رسد.

بنابراین پژوهش پیش رو برای شناخت بهتر دو مرحله تحولی رشد انسان (نوجوانی و میانسالی) به مقایسه سه مؤلفه روان‌شناختی (خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی) در این دو مرحله تحولی پرداخته است. لذا با توجه به مطالب بیان‌شده و اهمیت مسائل مرتبط با تفاوت نسلی، این پژوهش به بررسی این سؤال پرداخته است که آیا بین خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در افراد نوجوان با میانسالی تفاوت وجود دارد؟

## روش

### طرح پژوهش و شرکت‌کنندگان

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه این پژوهش، کلیه نوجوانان دختر و پسر ۱۲ تا ۱۹ ساله و میانسالان ۴۵ تا ۶۵ ساله شهر بندرعباس در سال ۹۳ را شامل بودند. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نوجوان و ۱۰۰ میانسالی) می‌باشد. حجم نمونه با توجه به اینکه طرح پژوهشی علی مقایسه‌ای است، براساس منابع معتبر حداقل حجم نمونه در این پژوهش‌ها در هر گروه ۳۰ نفر برآورد کرده‌اند (دلور، ۱۳۹۴)، که در این تحقیق برای بالا بردن توان آماری و کم کردن خطاهای نمونه‌گیری و اندازه‌گیری حجم نمونه ۲۰۰ نفر (هر گروه ۱۰۰ نفر) در نظر گرفته شده است. برای نمونه‌گیری از نوجوانان روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد که در این روش از میان مدارس ناحیه ۱ بندرعباس دو مدرسه دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شدند (دلور، ۱۳۹۴)؛ و برای نمونه‌گیری در میان میانسالان، به دلیل دشواری‌های انجام نمونه‌گیری، از روش در دسترس استفاده گردید (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۴).

### ابزار

**آزمون سنجش خلاقیت عابدی.** این آزمون که براساس نظریه تورنس درباره خلاقیت در سال ۱۳۶۵ به وسیله عابدی (۱۳۷۲) در تهران ساخته شد. روی یک گروه ۶۵۰ نفری از دانش‌آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس تهران اجرا گردید. در سال ۱۹۸۶، عابدی و شوماخر در

آمریکا به علت عدم دسترسی به نسخه اصلی، آزمون را از نو ساختند. نسخه جدید آزمون بارها مورد تجدید نظر قرار گرفت و اولین بار به وسیله انیل و همکاران (۱۹۹۴)، نقل از عابدی، (۱۳۷۲) تشریح گردید. این آزمون ۶۰ سؤال سه گزینه‌ای دارد که از چهار خرده آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری تشکیل شده است. گزینه‌ها نشان دهنده میزان خلاقیت پایین، متوسط و بالا می‌باشند که نمره یک برای خلاقیت پایین، نمره دو برای خلاقیت متوسط و نمره سه برای خلاقیت بالا در نظر گرفته شده است. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده مقیاس نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی‌ها در چهار بخش، نمره کلی خلاقیت فرد را نشان می‌دهد. میزان امتیازها به شرح زیر می‌باشد؛ خلاقیت بسیار زیاد: از ۱۲۰ الی ۱۰۰؛ خلاقیت زیاد: از ۱۰۰ الی ۸۵؛ متوسط: از ۸۵ الی ۷۵؛ خلاقیت کم: از ۷۵ الی ۵۰؛ خلاقیت بسیار کم: از ۵۰ الی پایین. پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ در چهار بخش آزمون به ترتیب به دست آمد: ضریب پایایی بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف پذیری ۰/۸۴ و بسط ۰/۸۰ (عابدی، ۱۳۷۲). ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده آزمون‌ها سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط روی ۲۲۷۰ دانش‌آموز اسپانیایی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۶، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ به دست آمد (آزمندی، ویلا و عابدی، ۱۹۹۶). در پژوهش حاضر نیز پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمده که حاکی از ضریب پایایی مطلوب این پرسش‌نامه در این پژوهش بود.

**مقیاس عاطفه مثبت و منفی.** مقیاس عاطفه مثبت و منفی<sup>۱</sup> به وسیله واتسون، کلاک و کری (۱۹۸۸) تهیه شد و شامل ۲۰ ماده است که برای هر بعد عاطفی مثبت و منفی ۱۰ لغت در نظر گرفته شده است. بنابراین هر خرده مقیاس ۱۰ ماده دارد. ماده‌ها در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از ۱= بسیار کم تا ۵= بسیار زیاد قرار دارد. مقیاس عاطفه مثبت و منفی ابزاری خودسنجی است و با تغییر دستورالعمل می‌توان هم شکل حالتی و هم شکل خصیصه‌ای آن را سنجید (بخشی پور و دژکام، ۱۳۸۴). اگر چارچوب زمانی به هفته جاری اشاره کند شکل حالتی

<sup>۱</sup> positive and negative affect scale

### روش اجرا

در این مطالعه ابتدا به بررسی و تهیه‌ی پیشینه‌ی نظری و تحقیقاتی پرداخته شد و سپس از بین اعضای جامعه، نمونه‌ی مورد نظر انتخاب گردید. برای نمونه‌گیری از نوجوانان از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید که در این روش از میان مدارس ناحیه‌ی ۱ شهر بندرعباس دو مدرسه‌ی دخترانه و پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شدند و برای نمونه‌گیری در میان میانسالان از روش در دسترس استفاده شد. پس از آن پژوهشگران با اخذ مجوز در محل تحقیق (مدارس) و به صورت در دسترس از میانسالان نمونه‌گیری کرده و برای جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه خلاقیت، عاطفه مثبت، و بهزیستی روان‌شناختی تهیه و بر روی اعضای نمونه اجرا گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی مانند (میانگین، انحراف معیار و غیره) و همچنین از آمار استنباطی برای آزمون همه فرضیه‌ها آزمون  $t$  مستقل دو گروه و تحلیل واریانس چند متغیری در نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۲۱ استفاده گردید.

### یافته‌ها

در مجموع ۱۰۰ نوجوان و ۱۰۰ میانسال اعضای نمونه را تشکیل می‌دادند. میانگین سنی افراد گروه نمونه نوجوانان ۱۴/۲ با انحراف استاندارد ۱/۲۳، میانگین سنی افراد میانسال ۳۶/۳ با انحراف استاندارد ۹/۱۲ می‌باشد. از مجموع ۲۰۰ نفر اعضای نمونه، ۱۰ نفر ابتدایی (۵ درصد)، ۵۸ نفر راهنمایی (۲۹ درصد)، ۷۹ نفر متوسطه (۳۹/۵ درصد)، ۳۶ نفر لیسانس (۱۸ درصد) و ۱۷ نفر بالاتر از لیسانس (۸/۵ درصد) می‌باشند. همچنین توزیع فراوانی تحصیلات و درصدهای مربوط به آن به تفکیک نوجوانان و میانسالان در جدول فوق قابل مشاهده است. توزیع فراوانی خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی به تفکیک گروه‌های نوجوان و بزرگسال در جدول ۱ ارائه شده است. برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که مقادیر احتمال آن برای متغیرهای خلاقیت (۰/۲۰۰)، عاطفه مثبت (۰/۲۶۷) و بهزیستی روان‌شناختی (۰/۲۲۰) محاسبه شده است که با توجه به مقدار احتمال آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، ( $P > ۰/۰۵$ ) است، لذا توزیع متغیرها در نمونه‌ی

عاطفه و اگر زمان طولانی‌تر در نظر گرفته شود، شکل خصیصه‌ای سنجیده می‌شود. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس در پژوهش واتسون و همکاران (۱۹۸۸) از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای عاطفه مثبت از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ برای عاطفه منفی از ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. در پژوهشی فخری و هاشمی (۲۰۱۳) پایایی این آزمون را، ۰/۸۷ برای عاطفه مثبت و ۰/۸۶ برای عاطفه منفی گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمده که حاکی از ضریب پایایی بسیار مطلوب این پرسش‌نامه در این پژوهش بود.

**پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی ریف.** پس از بررسی‌های اولیه نسخه اولیه مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی که دارای ۸۴ سوال است، تهیه شد (ریف، ۱۹۸۹). این پرسش‌نامه ۶ مؤلفه اصلی الگوی بهزیستی روان‌شناختی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و دارای ۶ زیر مقیاس (هر زیر مقیاس شامل ۱۴ عبارت است). این پرسش‌نامه برای بزرگسالان تهیه شده است و ۲ نسخه ۵۴ عبارتی و ۱۸ عبارتی نیز دارد. ریف (۱۹۸۹) به منظور هنجاریابی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی، این آزمون را بر روی نمونه‌ی ۳۲۱ نفری اجرا کرد. وی ضریب همسانی زیر مقیاس‌های این پرسش‌نامه را بدین شرح گزارش کرده است: خودمختاری ۰/۷۶، تسلط بر محیط ۰/۹۰، رشد فردی ۰/۸۷، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۷۱، زندگی هدفمند ۰/۹۰ و پذیرش خود ۰/۹۳. پایایی حاصل از روش بازآزمایی زیر مقیاس‌ها نیز در یک نمونه ۱۱۷ نفری و در فاصله ۶ هفته بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۵ بوده است. بیانی و همکاران (۱۳۸۷)، نقل از میکائیلی، (۱۳۸۹) به منظور هنجاریابی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی در ایران آنرا بر روی نمونه‌ی متشکل از ۱۴۵ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزاد شهر اجرا کرده‌اند. ضریب پایایی به روش بازآزمایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف ۰/۸۲ و خرده مقیاس‌های پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۷، ۰/۷۸، ۰/۷۰، ۰/۷۷ و ۰/۷۸ به دست آمد که از نظر آماری معنی دار بود. در پژوهش حاضر نیز پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمده که حاکی از ضریب پایایی بسیار مطلوب این پرسش‌نامه در این پژوهش بود.

مورد مطالعه نرمال می‌باشد.

جدول ۱

توزیع میانگین خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی به نوجوانان و میانسالان

گروه	شاخص آماری	خلاقیت	عاطفه مثبت	بهزیستی روان‌شناختی
نوجوانان	میانگین	۱۰۱/۳	۶۲/۸۵	۱۳۸/۴۴
	انحراف استاندارد	۱۱/۵۴	۱۷/۵۸	۱۳/۸
میانسالان	میانگین	۹۷/۷۲	۶۸/۳۷	۱۴۵/۰۴
	انحراف استاندارد	۱۰/۷۴	۱۰/۰۶	۲۲/۰۲
مجموع	میانگین	۹۹/۵۱	۶۵/۶۱	۱۴۱/۷۴
	انحراف استاندارد	۱۱/۲۶	۱۴/۵۵	۱۸/۶۲

بودن و شرط تساوی واریانس متغیرهای پژوهش به استنباط از داده‌های مربوط به این متغیرها می‌پردازیم. به‌منظور مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه نوجوانان و افراد میانسال از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

قبل از بررسی فرضیه‌ها و اجرای این آزمون، برای رعایت پیش‌فرض تساوی واریانس‌های متغیرهای تحقیق آزمون لوین استفاده شده است که نتایج آن حاکی از آن بود که فرض صفر برای تساوی واریانس‌های نمره‌های افراد نمونه در متغیرهای تحقیق تأیید می‌گردد. یعنی پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها در دو گروه نوجوانان و میانسالان تأیید گردید. پس از توصیف و بررسی نرمال

جدول ۲

نتایج واریانس چند متغیری مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه

متغیرها	آزمون	مقدار	نسبت F	درجه آزادی	درجه آزادی	سطح	مجذور اتا
گروه‌ها	لامبدا	۰/۹۳۴	۴/۵۹۱	۳	درجه آزادی	معنی داری	۰/۰۶۶
					خطا		

روان‌شناختی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد، برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل آزمون تأثیرات بین آزمودنی‌ها، در جدول ۳ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری آزمون لامبدای ویکلز بیانگر آن است که بین نوجوانان دختر و پسر مورد مطالعه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی

جدول ۳

نتایج تأثیرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه نوجوانان و بزرگسالان

متغیر وابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
خلاقیت	گروه	۶۴۰/۸۲	۱	۶۴۰/۸۲	۵/۱۵۶	۰/۰۲۴*	۰/۰۲۵
	خطا	۲۴۶۰۹/۲۵	۱۹۸	۱۲۴/۲۸			
عاطفه مثبت	گروه	۱۵۲۳/۵۲	۱	۱۵۲۳/۵۲	۷/۴۲	۰/۰۰۷**	۰/۰۳۶
	خطا	۴۰۶۲۴/۰۶	۱۹۸	۲۰۵/۱۷			
بهزیستی	گروه	۲۱۷۸	۱	۲۱۷۸	۶/۴۴	۰/۰۱۲*	۰/۰۳۲
	خطا	۶۶۸۶۸/۴۸	۱۹۸	۳۳۷/۷۲			
کل	خلاقیت	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰			
	عاطفه مثبت	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰			
	بهزیستی	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰			

به‌منظور مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان دختر و پسر، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

همانطور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین میانگین دو گروه نوجوانان با میانسالان وجود دارد؛ به این صورت که گروه نوجوانان دارای میانگین خلاقیت بیشتر، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی کمتری نسبت به گروه میانسالان هستند.

## جدول ۴

نتایج واریانس چند متغیری مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه

متغیرها	آزمون	مقدار	نسبت	درجه آزادی	درجه آزادی	سطح	مجذور اتا
			F	فرضیه	خطا	معنی‌داری	
گروه‌ها	لامبدا	۰/۷۶۶	۹/۷۸۲	۳	۹۶	۰/۰۰۱	۰/۲۳۴

روان‌شناختی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد، برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل آزمون تأثیرات بین آزمودنی‌ها، در جدول ۵ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری آزمون لامبدا و یک‌کلز بیانگر آن است که بین نوجوانان دختر و پسر مورد مطالعه حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی

## جدول ۵

نتایج تأثیرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان دختر و پسر

متغیروابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
خلاقیت	گروه	۵۴/۷۴	۱	۵۱/۷۴	۰/۳۸	۰/۰۰۱	۰/۲۲۶
	خطا	۱۳۱۳۷/۲۵	۹۸	۱۳۴/۰۵			
عاطفه مثبت	گروه	۶۹۲۰/۹۹	۱	۶۹۲۰/۹۹	۲۸/۶۴	۰/۵۳۶	۰/۰۰۴
	خطا	۲۳۶۷۷/۷۵	۹۸	۲۴۱/۶۱			
بهزیستی	گروه	۱۰۷/۵۴	۱	۱۰۷/۵۴	۰/۵۶	۰/۴۵۵	۰/۰۰۶
	خطا	۱۸۷۵۵/۰۹	۹۸	۱۹۱/۳۷			
کل	خلاقیت	۱۰۳۹۳۵۸	۱۰۰				
	عاطفه مثبت	۴۲۵۶۱۱	۱۰۰				
	بهزیستی	۱۹۳۵۴۲۶	۱۰۰				

همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات خلاقیت ( $P > 0.05$ ,  $\eta^2 = 0.004$ ) و بهزیستی روان‌شناختی ( $P > 0.05$ ,  $\eta^2 = 0.006$ ) در نوجوانان دختر با پسر تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین میانگین نمرات عاطفه مثبت در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد به این صورت که نوجوانان دختر از میانگین عاطفه مثبت بالاتری نسبت به نوجوانان پسر برخوردارند

جهت بررسی تفاوت بین خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو جنس زن و مرد در دوره میانسالی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده می‌شود. به‌منظور مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در میانسالان زن و مرد، آزمون تجزیه و تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶

نتایج واریانس چند متغیری مقایسه میانگین نمرات خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه

متغیرها	آزمون	مقدار	نسبت F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
گروه‌ها	لامبدا	۰/۹۹۵	۰/۱۵۲	۳	۹۶	۰/۹۲۸	۰/۰۰۵

روان‌شناختی) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. با این حال نتایج حاصل از آزمون تأثیرات بین آزمودنی‌ها، در جدول ۷ ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری آزمون لامبدای ویکلز بیانگر آن است که بین میانسالان زن و مرد مورد مطالعه در هیچ یک از متغیرهای وابسته (خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی

جدول ۷

نتایج تأثیرات بین آزمودنی‌ها از لحاظ خلاقیت، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی در میانسالان زن و مرد

متغیروابسته	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور اتا
خلاقیت	گروه	۱۷/۳۳	۱	۰/۱۴۹	۰/۷	۰/۰۰۲
	خطا	۱۱۴۰۲/۸۲	۹۸	۱۱۶/۳۵		
عاطفه مثبت	گروه	۱۴/۶۵	۱	۰/۱۴۳	۰/۷۰۶	۰/۰۰۱
	خطا	۱۰۰۱۰/۶۵	۹۸	۱۰۲/۱۵		
بهزیستی	گروه	۱۲۶/۶۹	۱	۰/۲۵۹	۰/۶۱۲	۰/۰۰۳
	خطا	۴۷۸۷۹/۱۴	۹۸	۴۸۸/۵۶		
کل	خلاقیت	۹۶۶۳۴۰	۱۰۰			
	عاطفه مثبت	۴۷۷۴۷۱	۱۰۰			
	بهزیستی	۲۱۵۱۶۶۶	۱۰۰			

افروز، شریفی درآمدی و هومن (۱۳۹۰)، رانکو (۱۹۹۹) و کلیوکر، دی دریو و کرون (۲۰۱۳) است که شرح می‌دهند که خلاقیت در سنین نوجوانی به اوج خود می‌رسد و در عین حال به موازات افزایش سن خلاقیت کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان اذعان داشت که یکی از ویژگی‌هایی که منجر به پرورش خلاقیت در افراد می‌شود این است که فرد قابلیت پذیرش عقاید و نظرات جدید را داشته باشد و به اصطلاح با دیدگاه متحجرانه و بسته به مسائل نگاه نکند و در صورت تطابق نظرات جدید بتواند در خود نیز مطابق با آن‌ها تغییرات لازم را به وجود آورد (لیلی، ۲۰۱۵). این در حالی است که بر خلاف نوجوانان که افرادی تغییر طلب و در راستای تفکرات و عقاید نوین هستند، افراد میانسال دارای ترس از تغییر بالاتری بوده و به نسبت نوجوانان کمتر می‌توانند عقاید

همان‌طور که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد بین میانگین نمرات خلاقیت ( $\eta^2=0/002$ ،  $P>0/05$ )، بهزیستی روان‌شناختی ( $\eta^2=0/003$ ،  $P>0/05$ ) و عاطفه مثبت ( $\eta^2=0/001$ ،  $P>0/05$ ) در میانسالان زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه‌ی عاطفه مثبت، خلاقیت و بهزیستی روان‌شناختی در مرحله‌ی تحولی نوجوانی با میانسالان در شهر بندرعباس انجام گرفت. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین خلاقیت در دو گروه نوجوانان با میانسالان وجود دارد؛ به این صورت که گروه نوجوانان دارای میانگین خلاقیت بیشتری نسبت به گروه میانسالان هستند. این یافته پژوهشی همسو با نتایج پژوهش‌های لیلی (۲۰۱۴)، قدرتی،



انجمن‌ها و هم در سطح غیر رسمی مانند ارتباط با دوستان همسایگان، خویشاوندان، همکاران می‌باشد. مطالعات نشان دهنده آن است که وجود تعاملات اجتماعی (رسمی و غیررسمی) احساس رضایت از زندگی، حمایت از طرف دیگران و احساس تعلق به گروه را افزایش داده که در نتیجه همه این موارد رایج‌د و افزایش شادمانی افراد بسیار مؤثر می‌باشد (آرگایل، ۱۳۹۴/۲۰۰۰). این در حالی است که نوجوانان عموماً به دلیل ویژگی‌های سنی افرادی جامعه‌گریزتر و ناسازگارتر با محیط اجتماعی هستند چنانکه یکی از ویژگی‌های اصلی سال‌های نوجوانی را ناسازگاری می‌داند (فوسنر و همکاران، ۲۰۱۵). درحالی‌که افراد وظیفه‌شناس و سازگار، احساس جهت‌گیری آشکاری از خود نشان می‌دهند و احساس مثبتی از بهزیستی دارند (شکری و همکاران، ۱۳۸۶).

همانطور که نتایج نشان می‌دهد، تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان با افراد میانسال وجود دارد؛ به این صورت که گروه میانسالان دارای میانگین بهزیستی روان‌شناختی بیشتری نسبت به نوجوانان هستند. این یافته پژوهشی با بخش‌هایی از پژوهش‌های پژوهش‌ها کاپلان و سادوک (۲۰۰۲)، ترجمه پورافکاری، (۱۳۹۳)، ریف (۱۹۸۹)، ریف و کیز (۱۹۹۵)، کیز، اشموتکین و ریف (۲۰۰۲)، ریف، کیز و هاگز (۲۰۰۳) و کوان کریستین، لاو و ریف (۲۰۰۳) که نشان می‌دهند وضعیت فرد در مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی در سنین مختلف تفاوت دارد، همسو است. ریف و همکاران (۲۰۰۳) و کوان کریستین و همکاران (۲۰۰۳) در این ارتباط نشان داده‌اند که مؤلفه‌های احساس تسلط بر محیط و خودمختاری با افزایش سن افزایش می‌یابند (خصوصاً در فاصله‌ی جوانی تا میانسالی) در مقابل، مؤلفه‌های احساس هدف در زندگی و رشد شخصی با افزایش سن به‌سوی بزرگسالی کاهش می‌یابند اما بیشترین کاهش در فاصله بین میانسالی تا پیری رخ می‌دهد و میانسالی زیاد متأثر از این کاهش نیست. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان به مشکلات هیجانی و روان‌شناختی دوران نوجوانی اشاره کرد. فرد در سنین نوجوانی در معرض بسیاری از مشکلات روانی و رفتاری قرار دارد و ضعف در تصمیم‌گیری در این دوره، نتایج منفی تری از دوران کودکی در بر خواهد داشت (کوهن و همکاران، ۲۰۱۶). برخی از پژوهشگران معتقدند گرایش‌های نوجوانان به رفتارهای منافی بهزیستی ذهنی

جدید را بپذیرند. لذا این مسأله می‌تواند یکی از دلایل بالاتر بودن خلاقیت در بین نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان باشد. مسأله دیگری که در این ارتباط می‌توان به آن اشاره کرد بحث تعصب است. تعصب ضدخلاقیت است و افراد متعصب هیچگاه خلاق نخواهند بود؛ زیرا تعصب مانع جدی بر سر راه بالندگی اجتماعی و شکوفایی استعدادها به حساب می‌آید (کلیپوکر و همکاران، ۲۰۱۳). افراد بزرگسال عموماً دارای هویتی هنجاری و متعصب به ارزش‌ها هستند (احمدی، ۱۳۹۴) که می‌تواند از خلاقیت فرد در این سن بکاهد. درنهایت می‌توان به تفاوت جوامع دو نسل مورد پژوهش اشاره کرد. در بین میانسالان که در جوامع سنتی تری رشد کرده‌اند (مخصوصاً بزرگسالان ایرانی)، به نسبت نوجوانان خلاقیت کمتری را می‌توان انتظار داشت. درحالی‌که در جوامع صنعتی قرن بیست و یکم، نوجوان بعد از کشف تعدادی از حق انتخاب‌هایی که مخصوص این جوامع است، می‌تواند یک انتخاب شخصی را داشته باشد (گل پیچ، ۱۳۸۸).

نتایج نشان می‌دهد، تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین عاطفه مثبت در دو گروه نوجوانان با افراد میانسال وجود دارد؛ به این صورت که گروه میانسال دارای میانگین عاطفه مثبت بیشتری نسبت به گروه نوجوان هستند. این یافته همسو با مطالعات فوسنر، لویب و بیل (۲۰۱۵) و واتسون (۲۰۰۰) می‌باشد. در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان اذعان کرد که عواطف مثبت بعد از ۳۰ سالگی به‌طور موقتی ثابت می‌ماند اما نقطه اوج هیجانات منفی در اواخر نوجوانی است و بعد از آن با افزایش سن تا اواخر بزرگسالی کاهش می‌یابد؛ بنابراین عواطف فرد به تدریج پایدارتر و در عین حال مثبت‌تر می‌شود. تفاوت‌های فردی مشخص در عواطف مثبت و منفی و در دوره‌های کوتاه مدت خلق مثبت که به دنبال ریتم مشخص می‌آید (در هنگام صبح پایین‌تر است) دیده می‌شود. عواطف مثبت و منفی با همبستگی ۰/۵ تا حدودی جزء خصوصیات اثری هستند، باوجود این محیط می‌تواند باعث بهبود عواطف مثبت شوند (میراحمدی، ۱۳۸۶) و نوجوانان هم به واسطه شرایط فیزیولوژیک و هم شرایط محیطی دوران پرچالش تری را تجربه می‌کنند. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که فعالیت‌ها و روابط اجتماعی در شادمانی فردی و درنهایت عاطفه مثبت افراد نقش مهمی دارد. فعالیت‌های اجتماعی هم در سطح رسمی شامل عضویت در سازمانها، باشگاه‌ها،

(۲۰۱۵) و کلیشه‌های جنسیتی گذشته تا حدودی رنگ باخته‌اند (زیل و همکاران، ۲۰۱۵). به این دلیل که اکنون یافتن شغل و کسب درآمد به سهولت برای هیچ یک از جنسیت‌ها امکان پذیر نیست که این امر به دلیل نقش سنتی مرد در تأمین اقتصادی خانواده گاهی حتی این گروه را با فشار و تنش بیشتری مواجه کرده و سطح بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها را کاهش می‌دهد (میکائیلی، ۱۳۸۹). در زمینه عدم تفاوت معنادار جنسیت در خلاقیت افراد نوجوان این یافته با پژوهش‌های یان (۲۰۰۵)، گیوت، گیوت، ناکمورا و چیکسنتمیهایلی (۲۰۰۸) و لیم و اسمیت (۲۰۰۸) است که نشان داده‌اند که خلاقیت با عواملی فراتر از جنسیت نظیر محیط خانوادگی، گشودگی نسبت به فرهنگ‌ها و تجارب مختلف تشویق توسط پدر و یا مادر، داشتن وسایل سرگرمی و بازی، مسافرت و تفریح، انتظارات شفاف والدین، فرزند اول خانواده بودن و یا تک فرزند بودن مرتبط است و جنسیت عموماً در نوع خلاقیت تأثیرگذار است و میزان آن بیش از آنکه به جنسیت ربط داشته باشد به سایر عوامل محیطی و اکتسابی فرد بستگی دارد. یان (۲۰۰۵) در این ارتباط بیان می‌دارد که آنچه که در بین دختران و پسران تفاوت معناداری از نظر خلاقیت ایجاد می‌کند نوع خلاقیت است نه میزان آن. مثلاً دختران در ابعاد سیالی و بسط و پسرها در بعد ابتکار افزایش بیشتری را نشان می‌دهند. نکته مهم در این رابطه این است که میزان خلاقیت بیشتر با انعطاف‌پذیری و سایر مؤلفه‌ها مرتبط است نه تفاوت‌های جنسیتی. در زمینه متغیر عاطفه مثبت نیز نتایج این پژوهش با مطالعات چاو (۲۰۰۷) همسو است که نشان داد زنان در سنین پایین‌تر دارای سطح بالاتری از عاطفه مثبت در مقایسه با مردان هستند. آن‌ها دارای خود‌پنداره مثبت‌تر، ارتباط مثبت با دیگران و ارتباط نزدیک با دوستان بودند و پیشرفت تحصیلی بیشتری داشتند. بسیاری از محققان اعتقاد دارند وجود منابع حمایتی و تنش‌زای متفاوت، سبک‌های متفاوت تعاملی و ارتباطی، انتظارات دیگران، شیوه‌های مقابله با تنش متفاوت و نقش‌های جنسیتی متفاوت برای هر جنس، قادرند سلامت و روانی را به صورت مثبت یا منفی تغییر دهند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بین میانگین نمرات خلاقیت، بهزیستی روان‌شناختی و عاطفه مثبت در

که روز به روز نیز در حال افزایش است انعکاسی از مشکلات هیجانی و روان‌شناختی است که با آن‌ها روبرو هستند (رینینگر و همکاران، ۲۰۰۵). در حقیقت یکی از علل عمده روی آوردن اغلب نوجوانان به رفتارهایی که بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند، مقابله با احساس افسردگی، اضطراب، ناکارآمدی، افت اعتماد به نفس، عدم رضایت از زندگی، ناتوانی در پذیرش خود و مشکلاتی از این قبیل می‌باشد (بروکس، هریس، درال و وودز، ۲۰۰۲؛ اسکات، ۲۰۱۵). پژوهش کاپلان و سادوک (۲۰۰۲)، ترجمه پورافکاری، (۱۳۹۳) نیز نشان داد که برخی از نوجوانان تخیلات همه‌توانی دارند که به واسطه آن خود را در مقابل صدمات و جراحات آسیب‌ناپذیر تصور می‌کنند که این مسأله نیز می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی و درنهایت سلامت روان آن‌ها را به مخاطره بیفکند.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بین میانگین نمرات خلاقیت و بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان دختر با پسر تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین میانگین نمرات عاطفه مثبت در نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد به این صورت که نوجوانان دختر از میانگین عاطفه مثبت بالاتری نسبت به نوجوانان پسر برخوردارند. در مجموع نتایج مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در متغیر بهزیستی روان‌شناختی متفاوت بوده‌اند (آرکین، ۲۰۱۵). این یافته‌ها در زمینه بهزیستی روان‌شناختی همسو با نتایج پژوهش‌های شلدون و الیوت (۱۹۹۹) می‌باشد که حاکی از حاکی از نبود تفاوت معنی‌دار در متغیر فوق بین دو جنس بوده است؛ اما با یافته‌های وانگ و میائو (۲۰۰۷) ناهمخوان است که معتقدند زنان و مردان در ابعاد مختلف بهزیستی روان‌شناختی با هم متفاوت‌اند؛ زیرا منابع استرس و امکانات متفاوتی در اختیار هر جنس قرار می‌گیرد که باعث به وجود آمدن تفاوت در وضعیت سلامتی آن‌ها می‌شود؛ اما نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که مطالعاتی که بر تفاوت معنادار این متغیرها به نفع مردان تأکید دارند، مربوط به سالیان پیش بوده است اما اکنون با توجه به تغییرات عمده فرهنگی و اقتصادی در خانواده‌ها شاید بتوان این یافته را تبیین کرد. در شرایط کنونی و به دلیل بحران‌های اقتصادی و افزایش جمعیت و افزایش هزینه‌های خانوارها، مرد و زن هر دو دارای نقش‌های تقریباً مشابهی در نان‌آوری خانواده هستند (یارنل و همکاران،

برخی از افراد میانسال در پر کردن پرسش‌نامه‌ها از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. با توجه به اینکه پژوهش حاضر نشان داد که بهزیستی روان‌شناختی و عاطفه مثبت در سنین نوجوانی حساس‌تر و در عین حال شکننده‌تر هستند، بنابراین توصیه می‌شود با استفاده از روش‌های نوین مشاوره و روانشناسی و تربیتی در محیط‌های مدرسه و خانواده جهت شکل دهی فضای تربیتی مناسب‌تر برای نوجوانان و جوانان تلاش شود تا از میزان تعارضات آنان کاسته شده و درنهایت باعث تسهیل رشد تحصیلی و اجتماعی آنان شود. همچنین پیشنهاد می‌شود آموزش خلاقیت از سنین کودکی آغاز شود تا به واسطه این امر بتوان افزایش میزان خلاقیت در سن نوجوانی و به تبع آن سنین بالاتر را شاهد بود.

**سپاس‌گزاری.** از همکاری همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش تقدیر می‌شود.

### منابع

- احمدی، س. ا. (۱۳۹۴). *روانشناسی نوجوانان و جوانان*. اصفهان: انتشارات مشعل.
- آرگایل، م. (۱۳۹۴). *روان‌شناسی شادی* (ترجمه ف. بهرامی و همکاران). اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۰)
- بخشی‌پور، ع.، و دژکام، م. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی تأیید مقیاس عاطفه مثبت و منفی. *مجله روانشناسی*، ۹، ۶۵-۷۸.
- خداینده، ف.، نوربالا، ا.، کاهانی، ص.، و باقری، ع. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با اقدام به خودکشی در افراد میانسال و سالمند. *روان‌شناسی سلامت*، ۱، ۹۶-۸۸.
- دلور، ع. (۱۳۹۴). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی*. تهران: رشد.
- رحمانی، ف.، سیدفاطمی، ن.، برادران‌رضایی، م.، صداقت، ک.، و فتحی‌آذر، ا. (۱۳۸۴). ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۲ (۴)، ۳۶۵-۳۷۰.
- سیف، ع. (۱۳۹۴). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. تهران: انتشارات دوران.
- شکری، ا.، تاجیک اسماعیلی، ع. ا.، دانشور پور، ز.، غنایی، ز.، و دستجردی، ر. (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد هویت. *تازه‌های علوم شناختی*، ۹ (۲)، ۴۶-۳۳.

میانسالان زن و مرد تفاوت معناداری وجود ندارد. همانطور که پیش‌تر ذکر شد در مجموع نتایج مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در متغیر بهزیستی روان‌شناختی متفاوت بوده‌اند (آرکین، ۲۰۱۵؛ مک آدامز، ۲۰۱۳). در گذشته به دلیل اینکه فشار روانی کار تنها روی مرد بود و زنان عمدتاً کارهای مربوط به منزل را با استرس سطح پایین‌تری انجام می‌دادند (چاو، ۲۰۰۷) این تفاوت قابل درک و طبیعی بود اما در شرایط کنونی تفاوت‌های جنسیتی گذشته تا حدودی رنگ باخته‌اند (یارنل و همکاران، ۲۰۱۵) و سطح بهزیستی روان‌شناختی را در هردوجنس به موازات هم و به دلیل تعارض نقش‌های سنتی و جدید با چالش‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند (زیل و همکاران، ۲۰۱۵؛ یارنل و همکاران، ۲۰۱۵؛ میکائیلی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین همانطور که مشاهده می‌شود هر دو گروه در معرض کاهش بهزیستی روان‌شناختی و عاطفه مثبت در سنین میانسالی هستند و هیچ کدام در این سنین از این مسأله ایمن نیستند. همانطور که پیش‌تر نیز ذکر شد، خلاقیت نیز بیش از آنکه با تفاوت‌های جنسیتی در ارتباط باشد با مؤلفه‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، شرایط محیطی و غیره در ارتباط است (یان، ۲۰۰۵) و این امر در میان میانسالان نیز عمومیت دارد.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که در حال حاضر عوامل بسیاری وجود دارند که می‌توانند کیفیت بهزیستی روان‌شناختی، خلاقیت و عاطفه مثبت نوجوانان را تحت تأثیر قرار دهند. از سویی می‌توان گفت تمامی خانواده‌ها تمایل دارند که فرزندانشان بتوانند به بهترین شکل دوران نوجوانی خود را پشت سر بگذارند و دارای خلاقیت و بهزیستی و سلامت روان بالایی باشند تا درنهایت علاوه بر ورود به دانشگاه، زندگی آینده خود را نیز تأمین کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد باید خانواده‌ها را از میزان تعارض‌های خود با فرزندانشان و چگونگی پرورش خلاقیت و افزایش بهزیستی فرزندان آگاه ساخت تا به نقش مهم خود در این میان فایق آیند تا قبل از اینکه از هر منبع و سازمانی انتظار کمک و تأمین شرایط عاطفی مناسب برای فرزندانشان را داشته باشند، ابتدا خود به وظایف‌شان در قبال فرزندانشان عمل کنند.

عدم حضور برخی از دانش‌آموزان در مدرسه هنگام نمونه‌گیری و در نتیجه عدم استرداد برخی از پرسش‌نامه‌های مربوط به آنان و همچنین عدم همکاری

- Auzmendi, E. Villa, A. & Abedi, J. (1996). Reliability and validity of a newly-constructed multiple-choice creativity instrument. *Creativity Research Juornal*, 9(1), 89-95.
- Brooks, T. L., Harris, S. K., Thrall, J. S., & Woods, E. R. (2002). Association of adolescent risk behaviors with mental health symptoms in high school students. *Journal of Adolescent Health*, 31(3), 240-246.
- Calvaresi, E., & Bryan, J. (2003). Symptom experience in Australian men and women in midlife. *Maturitas*, 44(3), 225-236.
- Chow HP. (2007). Psychological well-being and scholastic achievement among university students in a Canadian Prairie City. *Social Psychology of Education*, 10, 438-493.
- Cohen, A. O., Breiner, K., Steinberg, L., Bonnie, R. J., Scott, E. S., Taylor-Thompson, K. A., ... & Silverman, M. R. (2016). When is an adolescent an adult? Assessing cognitive control in emotional and nonemotional contexts. *Psychological science*, 1, 14-21.
- Corsini, R. J. (2014). *The dictionary of psychology*. Brunner/Mazel: Taylor & Francis Group.
- Fussner, L. M., Luebbe, A. M., & Bell, D. J. (2015). Dynamics of positive emotion regulation: associations with youth depressive symptoms. *Journal of abnormal child psychology*, 43(3), 475-488.
- Gilbert, K. E., Nolen-Hoeksema, S., & Gruber, J. (2013). Positive emotion dysregulation across mood disorders: How amplifying versus dampening predicts emotional reactivity and illness course. *Behaviour research and therapy*, 51(11), 736-741.
- Kalokerinos, E. K., Greenaway, K. H., & Denson, T. F. (2015). Reappraisal but not suppression downregulates the experience of positive and negative emotion. *Emotion*, 15(3), 271-282.
- Keys, C. L. M., Shmotkin, D., & Ryff, C. D. (2002). Optimizing well-being: the empirical encounter of two traditions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 1007-1022.
- Kleibeuker, S. W., De Dreu, C. K., & Crone, E. A. (2013). The development of creative cognition across adolescence: distinct trajectories for insight and divergent
- صادقی مال امیری، م.، و نیکنام، ع. ا. (۱۳۸۹). بررسی تئوریهایی سازمان بر خلاقیت. *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس*، ۷(۲۷)، ۴۷-۷۶.
- عابدی، ج. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۳، ۴۶-۵۴.
- غضنفری، ا. (۱۳۸۶). اعتباریابی مقیاس مقابله نوجوانان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۱(۳)، ۲۹۰-۲۹۷.
- فیست، ج.، و فیست، ج. ج. (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت* (ترجمه ی. سیدمحمدی). تهران: انتشارات روان.
- قدرتی، م.، افروز، غ. ع.، شریفی‌درآمدی، پ.، و هومن، ج. ع. (۱۳۹۰). تبیین خلاقیت دانش آموزان تیزهوش بر مبنای هوش، سن و رضامندی زناشویی والدین آنان. *فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی*، ۱(۳)، ۱-۲۱.
- کاپلان، ج.، و سادوک، ب. (۱۳۹۳). *خلاصه روانپزشکی* (ترجمه ن. ا. پورافکاری و همکاران). تهران: انتشارات شهرآب. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲)
- گال، م.، بورگ، و.، و گال، ج. (۱۳۹۴). *روش‌های تحقیق کیفی و کمی در علوم رفتاری* (ترجمه ر. نصر). تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲)
- گل‌پیچ، ز. (۱۳۸۸). *بررسی رابطه بین بلوغ شغلی و پایگاه‌های هویت در نوجوانان دارای اختلالات بینایی و نوجوانان عادی* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد چاپ نشده). دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- لطف‌آبادی، ح. (۱۳۹۴). *روانشناسی تربیتی*. تهران: سمت.
- معیدفر، س. (۱۳۹۳). *شکاف نسلی یا گسست فرهنگی* (بررسی شکاف نسلی در ایران). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۴، ۸۰-۵۵.
- منصور، م. (۱۳۹۴). *روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از کودکی تا پیری*. تهران: سمت.
- میراحمدی، ل. (۱۳۸۶). *تأثیر زوج‌درمانی کوتاه‌مدت به شیوه خود تنظیمی بر خوش‌بینی و شادی زوجین اصفهان* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد چاپ نشده). دانشگاه اصفهان.
- میکائیلی، ف. (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه ارمیه. دانش نو: فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد*، ۱۶(۴)، ۶۵-۷۲.
- Arkin, M. (2015). *The Relationship Between Community Violence Exposure and Psychological Well-Being Among Latino Adolescents* (Doctoral dissertation). University of Michigan.

- thinking. *Developmental science*, 16(1), 2-12.
- Kwan Christine, M. L., Love, G. D., Ryff, C. D., & Essex, M. J. (2003). The role of self-enhancing evaluations in a successful life transition. *Psychology of Aging*, 18(1), 3-12.
- Lilly, F. R. (2014). *Creativity in Adolescence*. In *Encyclopedia of Primary Prevention and Health Promotion* (pp. 1057-1065). New York: Springer.
- Lim, S., & Smith, J. (2008). The structural relationship of parenting style, creative personality, and loneliness. *Creative Research Journal*, 20, 412-421.
- McAdams, D. P. (2013). *The positive psychology of adult generativity: Caring for the next generation and constructing a redemptive life*. New York: Springer.
- Pavot, W., & Diener, E. (2008). The Satisfaction With Life Scale and the emerging construct of life satisfaction. *Journal of Positive Psychology*, 3, 137-152.
- Read, C. (2015). A generation gap in career expectations: Claire Read discovers that nurses and midwives born between 1980 and 1994 expect more support and feedback than their predecessors. *Nursing Standard*, 30(3), 18-19.
- Reininger, B. M., Evans, A. E., Griffin, S. F., Sanderson, M., Vincent, M. L., Valois, R.F., & Parra-Medina, D. (2005). Predicting Adolescent Risk Behaviors Based on an Ecological Framework and Assets. *American Journal of Health Behaviors*, 29(2), 150-161.
- Runco, M. A. (1999). A longitudinal study of exceptional giftedness and creativity. *Creativity Research Journal*, 12, 161-164.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001). On happiness and human potentials: a review of research on hedonic and eudemonic well-being. *Annual Review of Psychology*, 52, 141-166.
- Ryff, C. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069-1081.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719-727.
- Ryff, C. D., & Singer, B. (1998). The contours of positive human health. *Psychological Inquiry*, 9, 1-28.
- Scott, D. (2015), *Program Outcome for Youth*. Evaluation the National Outcomes.
- Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2014). *Positive psychology: An introduction* (pp. 279-298). Netherlands: Springer.
- Sheldon, K. M., & Elliot, A. J. (1999). Goal striving, needsatisfaction, and longitudinal well-being: The self-concordance model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 482-497.
- Wang, W. L., & Miao, D. M. (2007). Reaserch review of college student's psychological quality. *US-China Educationl Review*, 4(3), 54-60.
- Watson, D., Clark, L. A., & Carey, G. (1988). Positive and negative affectivity and their relation to anxiety and depressive disorders. *Journal of Abnormal Psychology*, 97(3), 346-53.
- Yan, L. (2005). *An investigation of the relationship between the open-endedness of activities and the creativity of young children* (Doctoral dissertation, University of New Orleans). Available from <http://sunzi.lib.hku.hk/ER/detail/hkul/3512677>
- Yarnell, L. M., Stafford, R. E., Neff, K. D., Reilly, E. D., Knox, M. C., & Mullarkey, M. (2015). Meta-analysis of gender differences in self-compassion. *Self and Identity*, 14(5), 499-520.
- Zell, E., Krizan, Z., & Teeter, S. R. (2015). Evaluating gender similarities and differences using metasynthesis. *American Psychologist*, 70(1), 10.

## **The Comparative Study of Positive Emotion, creativity and Psychological Well-Being in Evolution Stage of Middle Age and Adolescence**

**Payam Jouzy** ✉  
Ferdowsi University

**Mojtaba Ranjbari**  
Ferdowsi University

**Ayob Moradi**  
Allameh Tabatabai University

**Fereshteh Zarei**  
Islamic Azad University of Hamadan

Received: 2016.05.02

Accepted: 2016.09.19

The purpose of this research is to compare creativity, positive affection and psychological well-being in adolescents and the elderly. It is a casual-comparative conducted on adolescents (n=100) and the elderly (n=100) which constituted the participants. For the purpose of sampling in adolescents, the multistage cluster sampling was used and for sampling in the elderly, the available sampling method was utilized. The participants filled in positive affection scale by Watson, creativity scale and psychological well-being by Ryff. The findings were analyzed by multivariate variance analysis and independent t-test. The results indicated a significant difference between adolescents and the elderly in terms of creativity, positive affection and psychological wellbeing ( $p < 0.005$ ). That is, adolescents had higher mean creativity and lower positive affection and psychological wellbeing compared to the elderly. Also, the result did not show a significant difference between mean creativity and psychological wellbeing of male and female adolescents ( $p < 0.005$ ), though there was a significant difference in terms of positive affection with female participants scoring higher in this regard ( $p < 0.001$ ). Moreover, the results did not reveal any significant difference between positive affection and psychological wellbeing of the male and female elderly. According to the results, it can be concluded that adolescents had higher mean creativity and yet lower positive affection and psychological wellbeing compared to the elderly. Also, it appeared that gender did not affect the variables under study, though positive affection in female adolescents was higher than their male counterparts. Thus, the generation gap in research variables is more obvious than gender differences.

*Keywords:* creativity, positive affection, psychological wellbeing, adolescents and the elderly

Payam Jouzy, M.A in family counseling, faculty of education and psychology, Ferdowsi university, Mashhad, I. R. Iran; Mojtaba Ranjbari, M.A in family counseling, faculty of education and psychology, Ferdowsi university, Mashhad, I. R. Iran; Ayob Moradi, M.A in career counseling, faculty of education and psychology, Allameh Tabatabai university, Tehran, I. R. Iran. Fereshteh Zarei, M.A in general psychology, faculty of education and psychology, Islamic Azad University of Hamadan, I. R. Iran.

✉ Correspondence concerning this article should be addressed to Payam Jouzy M.A in family counseling, faculty of education and psychology, Ferdowsi university, Mashhad, I. R. Iran.

Email: payamjouzy@yahoo.com